

بسم الله الرحمن الرحيم

اصول و روش‌ها دعا والدین برای فرزند

عرض کردیم که دعا به‌عنوان یک عمل تربیتی هم در تربیت خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است، ضمن این که دعا به‌عنوان یک امر کلی مستحب است اما یک بعد تربیتی هم پیدا کرده است و ما شاهد این هستیم که در منابع دینی دعای نسبت به فرزندان مورد اهتمام و توجه خاص است، برای دعا یک مقدماتی را عرض کردیم که آن‌ها را ملاحظه کردید.

مقامات دعا

بعد گفتیم دعای له داریم و دعای علیه داریم. گفتیم دعای له در آیات و روایات هم دعا برای صاحب فرزند صالح شدن آمده است و هم برای این که برای فرزندان موجود دعا کند، برای امور مادی و معنوی آن‌ها در روایات مورد اشاره قرار گرفته است،

«دعا برای فرزند» در قرآن

در این جا ابتدا یک نگاهی به چند مورد از آیاتی که در این زمینه است داشته باشیم تا حدود دلالت آن‌ها را استخراج کنیم، به‌عنوان نمونه ما دعاهای مربوط به فرزندان در قرآن را می‌توانیم ذکر کنیم که یکی سوره مریم است که آن قصه حضرت زکریا و یحیی است، این قصه حضرت زکریا و یحیی در دو جای قرآن حداقل در آن جایی که مربوط به دعا است آمده است.

آیه ۶ سوره مریم و آیه ۸۸ سوره انبیا

یکی سوره مریم است که می‌فرماید: ذَكَرْ رَحْمَتَ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا، این که بعضی جمله معترضه عرض کنم یعنی در تفسیر این حروف مقطعه بعضی این که بعضی را بر قصه کربلا تطبیق دادند، کاف را به معنای کربلا می‌گیرند، عین به معنای عطش یا

بزید است، این در روایتی از ائمه آمده است که شاید سندش معتبر نباشد ولی چون در آستانه ماه محرم هستیم یادم آمد که این کهیص بعضی تطبیق دادند بر قصه کربلا و معنای اولش خیلی عام است بر اسماء الهی که هر کدام اشاره‌ای به اسم خداست. این حروف مقطعه بر اسامی و اوصاف خدا که خیلی تطبیق داده شده است که این یک بخشش است ولی در روایاتی گاهی همین‌ها را به امور دیگری تطبیق دادند، مثلاً گاهی به مؤمن یا اوصاف مؤمن یا ائمه و امثال این‌ها، این کهیص از جاهایی است که تطبیق به قصه کربلا و عاشورا داده شده است.

ذَكَرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ أَعْلَالِي يَعْقُبْ وَأَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا إِنَّ فِي هَذِهِ لَأَيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا فرزند پسندیده‌ای باشد که در این جا پسندیده دینی و الهی مقصود است، این آیه ۶ سوره مریم بود، همین قصه در سوره انبیا آیه ۸۸ آمده است که می‌فرماید: وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَلِيلٌ الْوَارِثِينَ که آن هم دعای حضرت زکریا است که دعای برای فرزند دار شدن است.

تفاوت دو آیه

نکاتی که باید برای این دو آیه عرض کنیم یکی تفاوت این دو آیه است که در آیه انبیا فقط اشاره به این کرده است که اصل اولاد دار شدن را از خدا می‌خواهد اما در سوره مریم می‌گوید وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ أَعْلَالِي يَعْقُبْ وَأَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا، یعنی فرزندی که وارث این امانت نبوت و رسالت باشد آن را از خدا می‌خواهد یعنی با یک ویژگی‌های ایجابی از خدا می‌خواهد، این تفاوت اولیه‌ای است که ممکن است به ذهن بیاید اما اگر دقتی شود شاید این تفاوت خیلی مهم نباشد بلکه این دو آیه اجمال و تفصیل دارد برای این که آن آیه شریفه سوره انبیا هم که حضرت زکریا می‌گوید لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَلِيلٌ الْوَارِثِينَ، من را تنها نگذار، این فقط تنهایی شخصی نیست بلکه تنهایی رسالتی است یعنی به کنایه می‌گوید کسی باشد که وارث این امانات الهی باشد و لذا بعید نیست که آن هم ظهور یا اشعاری به این امر داشته باشد منتها تفصیلش در همین آیه شریفه سوره مریم است، این یک تفاوت اجمال و تفصیل این دو دعا است، در آن جا یک دعای خیلی سربسته‌ای است لَا تَذَرْنِي فَرْدًا و در این جا یک دعای باز شده‌ای است وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثْ مِنْ أَعْلَالِي يَعْقُبْ وَأَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا، این یک نکته که در مقایسه این دو آیه است.

تعبیر «مِنْ أَلِ يَعْقُوبَ»

یک نکته دیگری هم که در این جا وجود دارد این است که **يَرِثُنِي** و **يَرِثُ مِنْ أَلِ يَعْقُوبَ** که این را مفسرین گفتند که خود حضرت زکریا از دودمان حضرت یعقوب نیست، علت این که **مِنْ أَلِ يَعْقُوبَ** گفته شده است برای این است که همسرش از حضرت سلیمان بود و سلیمان هم از نوادگان یعقوب است و از این جهت **يَرِثُنِي** و **يَرِثُ مِنْ أَلِ يَعْقُوبَ**، یعنی در این جا توجهی به همسرش هم دارد که این هم نکته جالبی در آیه است، از خدا می خواهد یک فرزند صالحی بدهد که وارث او و آل یعقوب باشد یعنی امتداد آن چیزی که از طرف همسرش هم هست آن را هم در نظر دارد، این هم نکته ظریفی است که چنین توجهی به همسرش و دودمان حضرت یعقوب دارد.

ظهور آیه در استحباب دعا

اما نکته اصلی و سوم که در این جا وجود دارد این است که این دعا را ما از حضرت زکریا در سوره مریم و سوره انبیا می بینیم و بحث فقهی این است که آیا می شود از این دعا استفاده استحباب دعا کرد؟ به نظر می شود استفاده کرد یعنی آن چه که پیامبری انجام داده است و در دو سه جا هم نقل شده است این بعید نیست که سنت بودن و استحباب از آن استفاده شود که در این حدش بعید نیست گرچه در این استفاده بحث های دقیق تری وجود دارد که چون در جاهای دیگر گفتیم در این جا تکرار نمی کنم اما بعید نیست که بشود این را از آن استفاده کرد. نکته چهارم این است که آیا می شود این حکم را به شریعت ما تسری دارد؟ این هم می شود، این دو بحث را سابق داشتیم.

الغاء خصوصیت در مفهوم آیات

بحث پنجم در این جا این است که آیا می شود این را تسری داد به هر نوع یعنی یک قاعده کلی در آورد که استحباب طلب فرزند صالح برای همه در همه شرایط؟ این یک مقدار دشوار است برای این که این جا قصه حضرت زکریا و یحیی است و این که کسی را می خواهد که امتداد نبوت باشد، بشود از این استفاده کرد که همیشه برای همه مستحب است که دعا کنند برای این که فرزند صالح پیدا کنند، این یک مقدار الغای خصوصیتش مشکل است برای این که ممکن است بگوییم مورد، مورد امتداد نبوت و رسالت است و در آن جا برای آن ها وظیفه استحبابی بود و یک تکلیفی بود که این طور دعا کند و اثر هم داشت و مستجاب هم شد، اما این که برای موارد دیگر از این دو آیه بشود استفاده کرد این تعمیم به همه موارد و استحباب مطلق طلب فرزند صالح، خالی از اشکال نیست برای این که این روایت الغای خصوصیت کرده است و تعمیم داد و این الغای خصوصیت و تعمیم در این جا کار دشواری است، یعنی الغای

خصوصیتش خیلی مشکل است که بگوییم که این که می‌خواهد فرزندی باشد که ادامه دین او بدهد و امثال این بشود الغای خصوصیت کرد که یک مقدار مشکل است.

(در سوره آل عمران آیه ۳۸، هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَلِيمٌ الدُّعَاءِ كه آن اطلاق دارد. این آیه سوره مریم قطعاً اطلاقی ندارد یعنی نمی‌شود الغای خصوصیتش کرد و به‌عنوان یک سنت کلی ما بخواهیم از آن حکمی به‌دست بیاوریم.

آیه ۸۸ سوره انبیا ذو احتمالین است، اگر لَا تَذَرْنِي فَرْدًا را به معنای لغوی اولیه‌اش بگیریم یعنی به من اولاد بده و اما اگر بگوییم که در این جا لَا تَذَرْنِي فَرْدًا می‌خواهد بگوید که نگاهی به آن جنبه رسالت و امتداد نبوت دارد یعنی مرا فرد قرار نده و به من کسی بده که نبوت را امتداد دهد و استمرار ببخشد که اگر این دومی را بگیریم دلالت نمی‌کند.

آیه ۳۸ سوره آل عمران

آیه سوم آیه ۳۸ سوره آل عمران است که قبلش در مورد حضرت مریم است که فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا، حضرت مریم خیلی مقام دارد و در چند جای قرآن در امتداد انبیا نام برده شده است که یکی هم در همین جا است، در سوره انبیا هم همین‌طور است، در پایان شمارش سلسله انبیا نام حضرت مریم آمده است، در این جا هم آیه ۳۸ سوره آل عمران که سومین آیه مربوط به این قصه است در آن جا دارد كه هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَلِيمٌ الدُّعَاءِ كه این جا اظهر این است که می‌شود در واقع بگوییم یک حکم اطلاقی از این استفاده می‌شود یعنی دعا می‌کند که خدایا به من ذریه پاکی بده، إِنَّكَ سَلِيمٌ الدُّعَاءِ، فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا كه در هر سه سوره هم و در هر سه آیه هم قبولی این دعا مورد توجه قرار گرفته است، این سه آیه مربوط به حضرت زکریا و تولد حضرت یحیی است و بعید نیست که از این‌ها استفاده شود.

ظهور آیه در استحباب طلب فرزند صالح

در اولی شمول یک مقدار مشکل بود، در دومی یک مقدار راحت تر بود و در سومی بعید نیست که بگوییم که این دعا در حقیقت یک عمل مستحبی و سنت مستحبی بوده است که فرزند را بخواهد، البته نکته دیگری که در همه این آیات است این است که در هیچ‌کدام درخواست و تقاضای مطلق فرزند نیست بلکه فرزند صالح مقصود است و لذا

استجابی هم که وجود دارد این است که استحباب طلب فرزند صالح باشد که بعد ممکن است در روایات هم شواهدی برای این پیدا شود.

مفهوم «ذُرِّيَّةٌ طَيِّبَةٌ»

دعای حضرت زکریا نبوت بوده است و شبهه‌ای که من به ذهنم می‌رسد و نگفتم این است که ممکن است آن من لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً که می‌گوید در آن جا طیبه خاص مقصود است ولی چون اطلاقی نیست که بگوییم این حتماً باید حمل بر آن شود می‌شود بگوییم ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً یعنی فرزند صالح می‌خواهد و در آن جا می‌گوید که می‌خواهم این فرزند صالح این‌طور باشد. ممکن است او فرزند پاک‌ی خواست ولی خدا لطف کرد و او را به حد نبوت رساند، قطعاً آن دعا را هم داشته است، لازم نیست بگوییم یک دعا است، ممکن است چند بار دعا کرده است، فرزند صالح می‌خواهد و فرزندی که امتداد نبوت باشد می‌خواهد و لذا حمل مطلق بر مقید نمی‌شود چون همه این‌ها مثبتین هستند. (تفسیر آیه به آیه در ضوابطی انجام می‌شود والا این سه دعا در این جا مثبتین هستند و نمی‌شود یکی را بر دیگری حمل کنیم.)

آیه ۳۹ سوره ابراهیم

این سه آیه در قصه حضرت زکریا است، یک آیه هم در سوره ابراهیم آیه ۳۹ است که آمده است که:
 وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنِبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۳۵) رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۶) رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳۷) در این هفت هشت آیه چند مطلب وجود دارد، یکی آیه ۳۹ است الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ (ابراهیم/۳۹)، این جا ندارد که حضرت دعا کرد که به من فرزند بده، در قصه ابراهیم بر خلاف قصه حضرت زکریا دو سه جا دارد که دعا کرد لَّا تَذَرْنِي فَرْدًا، هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً، یعنی برای ذریه پاک دعا کرده است و در سنین بالا هم خدا به او فرزند دارد، در قصه ابراهیم و حضرت اسماعیل و اسحاق هم همین‌طور است یعنی در سنین بالا فرزند به او داده شد ولی در حدی که الآن من به ذهنم می‌آید جایی از قرآن ندارد که بگوید دعا کرد ولی در این جا می‌فرماید که حمد می‌کند خدا را بر این نعمتی که به او داده است ولی در ذیلش می‌گوید إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ

الدُّعَاءُ، خدا دعا را مستجاب می‌کند، این ظاهرش این است که ارتباط سمیع الدعاء با موضوع ظاهرش این است که حضرت دعایی داشته است و خواسته‌ای داشته است که حمد و ثنا می‌کند و شکر خدا می‌کند که **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَالِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ** و لذا این هم یک دلیل می‌شود که در واقع حضرت دعایی داشته است و سنت و سیره آن حضرت هم این بوده است که دعا می‌کرده است و این سنت را باید حمل بر استحباب کنیم. این هم بعید نیست که با توجه به **إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ** معلوم می‌شود که دعایی در این جا وجود داشته است و این فعل پیامبر هم سنت می‌شود که ظهور در استحباب دارد، این که سنت و سیره چه طور دلالت بر حکم می‌کند ما این را سه چهار بار بحث کردیم و در این جا تکرار نمی‌کنم.

(ممکن است کسی بگوید این سمیع الدعاء به دعاهاى قبلى برمی‌گردد و این جا دعایی نبوده است، این ممکن است ولی باز فکر می‌کنم ظهوری در آن داشته باشد یعنی اشکال شما اشکال بی‌ربطی نیست.)

آیه ۷۴ سوره فرقان

آیه بعدی آیه ۷۴ سوره فرقان است که **وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِمُتَّقِينَ إِمَامًا**، در آخر سوره فرقان همان عباد الرحمن است که قبلاً عرض کردیم و حدود ده دوازده صفت برای عباد الرحمن که گروه خاصی هستند برمی‌شمارد، از آیه ۶۳ شروع می‌شود که **وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا** که اوصافی را برای آن‌ها ذکر می‌کند و به این جا می‌رسد که **وَ الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ** که به مناسبت **لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ** در مکاسب محرمه این را بحث کردیم، **وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا**، **وَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ، يَكْفَتُونَ** این است که **وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِمُتَّقِينَ إِمَامًا**، این هم به عنوان دوازدهمین صفت برای عباد الرحمن است که عباد الرحمن کسانی هستند که دعا می‌کنند و یکی از دعاهاى آن‌ها این است که خدایا از همسران و ذریه ما نورچشمانی به ما عنایت کن و ما را برای متقین پیشوا قرار ده، گرچه بعضی گفته شده است که این عباد الرحمن مقصود ائمه است ولی آن‌ها همه تطبیق است و عباد الرحمن یک مفهوم عامی دارد و یک گروه برجسته و ممتازی هستند که مجموعه‌ای از این صفات را در خود جمع کردند و از جمله این است که علاوه بر این که به فکر خودشان هستند به فکر امتداد خودشان در یک مسیر دینی هستند، آخرین جمله‌ای که به آن‌ها نسبت داده می‌شود این دعا است یعنی فرد به فکر این است که آن راه درستی که انتخاب کرده است در ذریه او هم امتداد پیدا کند، این جایگاه چهارمین آیه مربوط به این بحث است.

شمول آیه در «عباد الرحمن»

نکاتی هم که در این آیه است یکی این است که اگر این آیه را با آن آیات قبلی مقایسه کنیم از نظر شمول مشکل این که مربوط به گروه خاصی یا انبیا باشد و فرزندی که به مقام نبوت برسد و امثال این آن شبهه در این نیست و این اطلاق دارد ولو این که تطبیق داده شده است و گفته شده است که مقصود ائمه‌اند ولی شمول آیه عباد الرحمن هستند، این یک جهت که نسبت به آن‌ها این اطلاق و شمول دارد.

دلالت در اوصاف متقین

نکته دوم هم این است که این دعا که دلالت این هم بر رجحان وضوح خوبی دارد و این که از اوصاف این عباد الرحمن به شمار می‌آورد که ما این هم قاعده کلی گفتیم، هر جا در اوصاف مؤمنین یا متقین یا گروه‌های ممتاز و پسندیده چیزی نقل می‌شود معلوم می‌شود که آن امر رجحان دارد، در متن دینی و قرآنی و روایی اگر بیان اوصاف شود این ظهور در این دارد که این کار حداقل مستحب است، در سیاق این ده دوازده وصفی که در این جا آمده است برای بعضی قرینه داریم که وجوب است ولی حد قطعی و یقینی و متیقنش همان استحباب است بنابراین چنین دعا کردن برای همه مستحب است.

استحباب دعا برای فرزند صالح

نکته سوم هم این که طبعاً در این جا دعای برای فرزند دار شدن است اما نه مطلق فرزند دار شدن، ما هیچ جا مطلق نداریم و دعای برای فرزند صالح نصیب شخص شدن مستحب است.

استحباب در دامنه وسیع‌تر

نکته بعدی هم این است که در این جا دارد که هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا، یعنی در این جا دو دعا است، یکی این که از همسران ما نور چشم به ما بده یعنی همان بچه‌های مستقیم و یکی هم این که من ذریتنا یعنی نوه‌ها و غیرمستقیم دودمانی برای من قرار بده، پس در واقع در این جا دامنه استحباب را تعمیم می‌دهد، دعای برای صاحب فرزند صالح شدن و صاحب سلاله و دودمان صالح شدن و اطلاق هم دارد، ذریتنا إلی قیام القیامة که چنین دعایی مستحب است که در سنت و سیره هم این‌طور بوده است. پس این سنت استحبابی تعمیم پیدا می‌کند از فرزندان مستقیم به نوادگان و نبیره‌ها و امثال این‌ها و اطلاقتش هم تا آخر می‌گیرد.

مفهوم «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ»

مِنْ در مِنْ أَزْوَاجِنَا بیانیه است که یک ابهامی باید در یک جایی باشد که آن را رفع کند که در این جا چنین چیزی نیست، زائده باشد که آن هم خلاف اصل است و اصل این است که چیز زائده نباشد و لذا ظهور این است. مِنْ نشویه است یعنی از این منشأ و از این جا بما آن قُرَّةَ أَعْيُنٍ که ظهورش این است و این که زائده باشد یعنی ازواج و ذریه ما را قُرَّةَ أَعْيُنٍ قرار بده که اینها را نمی‌خواهد بگوید بلکه از اینها قُرَّةَ أَعْيُنٍ به ما بده که دعای آنها این است. احتمال دیگری که شاید در بعضی تفاسیر باشد این است که نمی‌خواهد بگوید ما را صاحب اولاد کن بلکه می‌گوید همین‌هایی که قرار است بدهی اینها را قُرَّةَ أَعْيُنٍ قرار بده، از اینها قُرَّةَ أَعْيُنٍ بده نه این که از اینها قُرَّةَ أَعْيُنٍ متولد شوند بلکه از این‌هایی که هستند قُرَّةَ أَعْيُنٍ بده یعنی آنها را مبدل به قُرَّةَ أَعْيُنٍ کن.

مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ را دو جور می‌شود تفسیر کرد و در هر حال هم با بحث ما ارتباط دارد منتها به دو شکل، یک بار است که می‌گوییم مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ بده یعنی از اینها کسانی متولد شوند که آنها قُرَّةَ أَعْيُنٍ هستند یعنی قُرَّةَ أَعْيُنٍ از اینها پیدا بشوند و در هر حال نشویه است منتها این پیدا شدن یعنی تولد بیابند یا این که تبدیل پیدا کنند اینها به انسان‌های صالح، مِنْ در هر حال مِنْ نشویه است، می‌گوید از اینها تولدی پیدا شود یا خود اینها را مبدل به قُرَّةَ أَعْيُنٍ کنی که این دو احتمال است. می‌گوید از ازواج و ذریات مِنْ قُرَّةَ أَعْيُنٍ بده، می‌خواهد بگوید در واقع آنها هم سهم در این قُرَّةَ أَعْيُنٍ هستند یعنی مثل آیه‌ای که می‌گفت يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ می‌خواهد بگوید اینها هم یک نوع دخالتی در آن دارند و اینها هم سهم می‌شوند و چون سهم دارند و در ثواب و اجر هم شریک هستند آن را ذکر کرده است. این دو احتمال است که در این جا وجود دارد، اگر احتمال اول باشد مِنْ أَزْوَاجِنَا یعنی تولد را می‌گوید آن وقت دعای برای فرزند دار شدن است که یک موضوع بحث ما است و اگر دومی باشد دعای برای فرزندان و ذریه است، هر کدام هم که باشد نکته‌ای که در آیه است این است که علاوه بر فرزندان مستقیم غیرمستقیم را هم شامل می‌شود، اگر بگوییم دعای برای صاحب اولاد صالح شدن باشد، هم اولاد و هم ذریه با واسطه را می‌گیرد، اگر هم دعا برای این است که این‌هایی که قرار است بدهی اینها را جزو صلحا قرار بده که این را هم در روایات خیلی داریم که خدایا فرزندان من را صالح قرار بده و ذریه من را صالح قرار بده. در جمع این دو احتمال فکری که من کردم این بود که مِنْ استعمال لفظ در اکثر از معنا نیست و در هر حال مِنْ نشویه است، می‌گوید خدایا از ازواج و ذریات مِنْ قُرَّةَ أَعْيُنٍ به ما بده و جمعش یک مقدار دشوار است.

مقصود از «قرّة أعین»

این جا لازم نیست که قرّة أعین نبوت داشته باشد، مثل حضرت مریم و حضرت زهرا هم باشد قرّة أعین است. از آن جهت مانعی ندارد و ممکن است زوج باشد مثل حضرت خدیجه، همین دعا را حضرت امیرالمؤمنین هم می‌فرماید که حضرت زهرا همسرشان است. قرّة أعین در لغت این طور آمده است که قرّه آن آبی است که هنگام شوق از چشم جاری می‌شود که آب شوری است و اشک شوق است و این را کنایه قرار دادند از این که نعمتی که موجب شوق و شکوفایی انسان است، این یک کنایه برای مطلق نعمت قرار داده شده است و خیلی وقت‌ها برای چیز خاصی کنایه قرار داده شده است و آن فرزندی است که صالح است، قرّة أعین یعنی فرزندان صالح و فرزندی که اشک شوق از چشم انسان جاری کند یعنی صالح و شایسته باشند. البته در ذیلش هم دارد که وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا، بعضی در این یک شبهه‌ای دارند که این مثل این است که نوعی ریاست‌خواهی می‌خواهد و می‌گوید فرزندانم را جزو پیشوایان قرار بده که این هم جواب داده شده است که در این جا بحث معنویت است یعنی می‌خواهد که او پیشگام امور معنوی باشد و پیشگامی غیر از آن ریاست‌های مادی است.

در هر حال این آیه دلیل است، یا دلیل برای این است که فرزند صالح را درخواست کند و یا دلیل برای این است که درخواست کند که ذریه و فرزندان او صالح شوند که البته بین این دو تفاوت است. عرفیت در این جمع گرچه اشکالی ندارد ولی عرفیتش برای من واضح نشد.

(و اجعلنا یعنی خود و آن‌ها، این دو احتمال هم داده شده است یا می‌شود داد، بعید نیست که آن‌ها را هم بگیرد، اگر آن‌ها را هم نگیرد برای خودش هم که می‌گوید باز همین سؤال است و جواب هم همین جواب است.)

(ممکن است به خاطر این که عباد الرحمن دارد و جمع است این هم می‌گوید وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا، از آن حیث است یا این که نه این عنایتی به قبلش هم دارد یعنی به این که خود و ذریه او؟ ظاهرش این است که ذریه هم در داخل این قرار داده شده است که این هم بحث دیگری در این آیه بود.)

و صلی الله علی محمد و آل محمد